



دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

موضوع: خواسته دعوا در دعاوی مالی و بهای آن

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حمید ابهری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سام محمدی

دانشجو: سامان متقی شهری

زمستان ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاسگذاری:

سپاس فراوان از جناب آقای دکتر حمید ابهری، استاد محترم راهنمای اینجانب، که راهنمایی های ارزشمندشان همواره هدایتگر نگارش این پایان نامه بود، و تشکر بی دریغ از جناب آقای دکتر سام محمدی، استاد محترم مشاور اینجانب، که نظرات دقیقشان کمک شایسته ای به نگارش این اثر نمود.

همچنین بر خود لازم میدانم که مراتب سپاس و قدردانی خود را، از اساتید محترم و فرهیخته ی گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، که از هیچ کوششی در راستای ارتقای سطح علمی دانشجویان دریغ نوزیدند صمیمانه اعلام نمایم. هر چند، هرگز نخواهم توانست گوشه ای از زحمات این عزیزان را جبران نمایم، اما «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق».

تقدیم به:

- ✓ پدرم، که هر چه گفت آیین درست کاری بود.
- ✓ مادرم، که درس مهرورزیدن را به من آموخت.
- ✓ همسرم، که نگارش این پایان نامه وامدار اوست.

چکیده

خواسته و بهای آن، یکی از مباحث مهم در آیین دادرسی مدنی است. در واقع، رکن اصلی هر دعوای حقوقی، خواسته و بهای آن می باشد، زیرا خواهان، خوانده و دادگاه محدود به خواسته ای هستند که در دادخواست قید شده است. بهای خواسته نیز از جهات مختلف، حائز اهمیت است، از جمله بهای خواسته در تعیین مرجع صالح، هزینه دادرسی، قابلیت تجدیدنظرخواهی و سایر جهات مهم است. با وجود اهمیت فوق العاده خواسته و بهای آن، در قانون آیین دادرسی مدنی، پاره ای از مقررات راجع به این دو موضوع، دارای ابهام بوده و در برخی موارد با خلاء قانونی مواجه هستیم. از جمله در مورد مهلت اعتراض به بهای خواسته، در قانون از عبارت "تا اولین جلسه دادرسی" استفاده شده است که معلوم نیست این مهلت شامل جلسه اول دادرسی نیز می شود یا خیر؟ در مبحث فرجامخواهی، از خواسته برای تعیین نصاب خواسته قابل فرجام استفاده شده و اشاره ای به بهای خواسته نشده است در حالی که در مبحث تجدیدنظرخواهی، خواسته و بهای آن ملاک رای قابل تجدیدنظر اعلام شده است.

در این پایان نامه، هدف آن است که موضوع خواسته و بهای آن در دعوای مالی مورد بررسی قرار گیرد. ابهامات و خلاء های قانونی، شناسایی و راهکارهای مناسب ارائه گردد.

کلید واژگان: خواسته، بهای خواسته، دعوا، مالی.

عنوان	شماره صفحه
مقدمه	۱
تعریف مساله	۱
سوالات پژوهش	۳
پژوهش هالی علمی انجام شده ی قبلی در ارتباط با پایان نامه	۳
حدود پژوهش	۴
فرضیات پژوهش	۴
اهداف پژوهش	۴
خلاصه ی مراحل پژوهش	۵
تقسیم بندی مطالب	۵
فصل اول : تعاریف و مفاهیم	۶
مبحث اول : مفهوم دعوی	۷
مبحث دوم : دعاوی مالی و غیرمالی	۹
مبحث سوم : دادخواست و تفاوت آن با درخواست و تقاضا	۱۸
گفتار اول : دادخواست	۱۸
گفتار دوم : تفاوت دادخواست با درخواست و تقاضا	۲۳
مبحث چهارم : رویه ی قضایی و اهمیت آن	۲۴
فصل دوم : خواسته	۲۹

مبحث اول : مفهوم و اقسام خواسته و ویژگی های خواسته ی قابل مطالبه	۳۰
گفتار اول : مفهوم و اقسام خواسته	۳۰
گفتار دوم : ویژگی های خواسته ی قابل مطالبه	۳۱
مبحث دوم : جهات اهمیت خواسته	۳۳
مبحث سوم : تعدد و تجزیه ی خواسته	۳۹
گفتار اول : تعدد خواسته	۳۹
گفتار دوم : تجزیه خواسته	۴۵
مبحث چهارم : کاهش، افزایش و تغییر خواسته	۴۶
گفتار اول : کاهش خواسته	۴۶
گفتار دوم: افزایش خواسته	۴۹
گفتار سوم : تغییر خواسته	۵۲
مبحث پنجم : عدم درج خواسته یا درج خواسته ی متعارض یا مردد در درخواست	۵۲
مبحث ششم : استثنا بر تعیین خواسته در زمان تقدیم دادخواست	۵۵
فصل سوم : بهای خواسته	۵۸
مبحث اول : مفهوم بهای خواسته و جهات اهمیت آن	۵۹
گفتار اول : مفهوم بهای خواسته	۵۹
گفتار دوم: جهات اهمیت بهای خواسته	۶۰
بند اول : هزینه دادرسی	۶۱
بند دوم : قابلیت تجدیدنظرخواهی	۶۳

۶۵ بند سوم : قابلیت فرجام خواهی
۶۷ بند چهارم : تشخیص صلاحیت دادگاه برای رسیدگی
۶۹ بند پنجم : اجباری بودن و کالت
۷۰ بند ششم : حق الوکاله ی وکیل دادگستری
۷۱ بند هفتم : به جریان افتادن دادخواست و عدم مواجهه با قرار رد دادخواست
۷۲ مبحث دوم : نحوه تعیین بهای خواسته
۷۹ مبحث سوم : موارد عدم لزوم تقویم خواسته
۸۳ مبحث چهارم : اختلاف اصحاب دعوی در بهای خواسته
۹۹ نتیجه گیری
۱۰۰ پیشنهادات
۱۰۲ فهرست منابع
۱۰۵ چکیده انگلیسی

مقدمه

تعریف مسأله :

دعوی حقوقی با تقدیم دادخواست توسط خواهان آغاز می شود. (ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی). دادخواست باید دارای شرایطی باشد که ماده ی ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی آنها را بر شمرده است. بند ۳ ماده مذکور یکی از نکاتی را که باید در دادخواست درج شود، تعیین خواسته و بهای آن می داند مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.

تعیین خواسته را می توان از مهم ترین قسمت های دادخواست دانست، زیرا خواهانی که دعوی را آغاز می کند، هزینه هایی را متحمل می شود و وقت خود را صرف می کند در پی دست یافتن به خواسته ی خود می باشد. در حقیقت دادخواهی خواهان برای دست یافتن به خواسته ای است که در دادخواست مشخص نموده است. از این رو وی یا وکیلش باید در تعیین آن نهایت دقت را بنماید و خواسته را به صورت دقیق و منجز و به گونه ای تعیین نماید که هدف او را از اقامه ی دعوا تأمین کند.

تعیین خواسته اثرات حقوقی مهمی دارد که موارد زیر از اهم آنهاست:

(۱) تکلیف دادگاه به رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به خواسته ی مندرج در دادخواست.
(۲) تعیین محدوده ی رسیدگی دادگاه و عدم امکان رسیدگی به اموری که خارج از خواسته ی خواهان است.

(۳) تعیین محکوم به ای که دادگاه می تواند پس از ختم رسیدگی و در صورت احراز ذیحقی خواهان مورد حکم قرار دهد.

از طرف دیگر، خواهان باید بهای خواسته را نیز در دادخواست مشخص نماید مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.

تعیین بهای خواسته نیز در دادرسی اهمیت فراوانی دارد. ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می کند: «بهای خواسته از نظر هزینه ی دادرسی و امکان تجدید نظر خواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.»

همچنین، طبق ماده ی ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی، آرای دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگر در موارد زیر:

در دعوی مالی که خواسته یا ارزش آن بیش از سه میلیون ریال باشد....

بند ۱ ماده ی ۳۶۷ در آرای قابل فرجام دادگاه های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته مقرر می کند: «۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد...»

بنابراین بهای خواسته، میزان هزینه ی دادرسی را که خواهان باید بپردازد و همچنین قابلیت تجدید نظر و یا فرجام رأی را مشخص می کند. بر اساس بند ۱۲ ماده ی ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، در دعاوی مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیر منقول، بهای خواسته، از جهت صلاحیت، مبلغی است که خواهان طبق ماده ی ۶۱ در دادخواست تعیین می کند. اما هزینه دادرسی بر اساس ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه محاسبه و پرداخت می شود.

تعیین بهای خواسته از نقطه نظر صلاحیت نیز بسیار مهم است. در حال حاضر و با توجه به قانون شوراهای حل اختلاف مصوب سال ۱۳۸۷^۱، طبق بند ۱ ماده ی ۱۱ قانون مذکور در خصوص «دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال و در شهر تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال» قاضی شورا با مشورت اعضای شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید. قانون گذار در نگارش این بند دقت و توجه کافی نداشته و مشخص ننموده است که آیا بهای خواسته نیز در صلاحیت شورا مؤثر است یا خیر؟ به عبارت دیگر معلوم نیست که آیا اگر بهای خواسته دعوا در روستا تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال و در شهر تا ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال باشد، باز هم شورا صالح به رسیدگی است؟ به هر حال، قدر متیقن آن است که در دعاوی که خواسته آن مطالبه وجه باشد، در روستاها تا مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال و در شهرها تا مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال شورای حل اختلاف صالح به رسیدگی است نه دادگاه.

با توجه به اهمیت تعیین بهای خواسته در دعوا، قانون گذار به خواننده اجازه داده است که در دعاوی مالی به بهای تعیین شده از سوی خواهان اعتراض نماید. اعتراض مذکور باید تا نخستین جلسه ی دادرسی عنوان شده و دارای شرایطی باشد.

کاربردی بودن موضوع و کم توجهی قانون گذار در تدوین قوانین مربوطه، در برخی موارد موجب طرح سؤال ها و ابهاماتی گشته است که پاسخ آن ها به روشنی مشخص نیست.

با توجه به اهمیت فراوان این بحث که به حق می توان آن را یکی از ظریف ترین بخشهای تنظیم دادخواست دانست، سعی بر آن است تا در این پژوهش مسائل مبهم در خصوص موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به سؤالاتی که پیرامون این مسئله مطرح گشته پاسخ منطقی و مفیدی داده شود.

^۱ - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، پنج شنبه هفتم شهریور ماه ۱۳۸۷، شماره ۱۸۴۹۵.

همچنین به دلیل اهمیت و اعتبار رویه ی قضایی در حقوق کشورمان سعی شده است که در حل مسائل و ارائه ی راه حل ها به تصمیمات مراجع قضایی نیز توجه شود. لذا تا حد امکان در پاورقی ها تصمیمات و آرای مرتبط با موضوع آورده شده است، تا تاییدی باشد برای نظر ارایه شده و نشانگر این باشد که این راه حل در عمل نیز مقبول افتاده است.

سؤالات پژوهش:

۱) در دعاوی مالی که تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست ممکن نیست، اما در حین

دادرسی مشخص می شود تکلیف هزینه های دادرسی چیست؟

۲) آیا تعیین بهای خواسته در قابلیت یا عدم قابلیت فرجام خواهی رأی صادره مؤثر است یا خیر؟

۳) طبق بند ۴ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، اعتراض به بهای خواسته تا اولین جلسه دادرسی

امکان پذیر است. آیا در جلسه اول دادرسی هم می توان این اعتراض را مطرح کرد؟

پژوهش های علمی انجام شده ی قبلی در ارتباط با پایان نامه (به طور خلاصه):

تا به حال پژوهش مستقلی در این باره ارائه نگردیده است و در کتب آیین دادرسی مدنی به صورت مختصر، مطالبی در این مورد ذکر گردیده است. لذا کتاب یا پایان نامه ای که به طور جامع به این موضوع پرداخته باشد تألیف یا منتشر نشده است.

۱) « تعیین خواسته و بهای خواسته در دادخواست از دو نقطه نظر اهمیت دارد:

یکی از نظر صلاحیت دادگاه ها_ چنانکه پیش گفتیم (شماره ۹۳) غیر از پاره دعاوی که به بعضی ملاحظات در حصه مخصوص دادگاه بخش یا دادگاه شهرستان گذاشته شده رسیدگی نخستین دعاوی عموماً از روی بهای خواسته (حد نصاب) بین دادگاه بخش و دادگاه شهرستان تقسیم شده است. »

(احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: مجد، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰)

۲) « تعیین خواسته و بهای آن، از دیگر شرایط دادخواست است. دادخواست در دادگستری به سوی هدف مشخصی مطرح می شود؛ خواهان ضرر و زیان می خواهد؛ اجرای شرطی قراردادی را درخواست می نماید؛ اعلام بطلان ازدواجی را تقاضا می کند؛ ... بهای خواسته نیز باید مشخص شود تا، از جمله، میزان هزینه دادرسی که خواهان باید پردازد معین شده و امکان تجدید نظر خواهی از رأی که صادر خواهد شد، از ابتدا، مشخص باشد. »

(عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: دراک، ۱۳۸۴، ص ۳۶)

۳) « می دانیم که خواسته ی دعوی، مهم ترین قسمت دادخواست را تشکیل می دهد. زیرا هدف از اقامه ی دعوا، وصول خواسته می باشد، بنابراین خواسته ی دعوا باید منجزاً معلوم باشد این مطلب در مواد متعدد قانون آ. د. م به لحاظ اهمیتی که دارد به تکرار و تأکید ذکر شده است:

بند ۳ ماده ی ۵۱ قانون آ. د. م: «تعیین خواسته و بهای آن، مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.»

(قدرت الله واحدی، بایسته های آیین دادرسی مدنی، تهران: میزان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴)

(۴) «از شرایط لازم دادخواست تعیین خواسته و بهای آن است مگر این که تعیین بهای خواسته ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد. خواهان مکلف است خواسته خود را در دادخواست کاملاً مشخص کند، اگر خواسته مالی است آن را تقویم نماید، خواسته دعوی قابل احصاء نیست خواسته ممکن است مال اعم از منقول و غیر منقول، دین، منفعت، زیان و خسارت ناشی از ضمان قهری و جرم باشد، خواسته ممکن است حقوق ارتفاقی در ملک دیگری باشد ممکن است اشیایی که بهای معین ندارند ولی دارای نوعی اعتبار هستند باشد.»

(جلال الدین مدنی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: کتاب خانه گنج دانش، بی تا، ص ۳۴۰)

حدود پژوهش (در صورت لزوم):

محدوده ی پژوهش، بررسی موضوع در حقوق ایران می باشد.

فرضیات پژوهش:

(۱) در دعوی مالی که تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست ممکن نیست اما در حین دادرسی مشخص می شود، هزینه ی دادرسی بعد از صدور حکم بدوی و سایر هزینه ها در زمان تعیین بهای خواسته دریافت می شود.

(۲) طبق ظاهر مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، بهای خواسته تأثیری در قابلیت یا عدم قابلیت فرجام خواهی ندارد اما بر اساس رویه ی دادگاه ها بهای خواسته در قابلیت فرجام خواهی نیز مؤثر است.

(۳) اعتراض به بهای خواسته، در جلسه ی اول دادرسی هم امکان پذیر است.

اهداف پژوهش:

از آنجا که در تنظیم دادخواست، خواسته و نحوه ی تقویم آن بسیار مهم است، در این پژوهش بر آنیم تا ابعاد مختلف موضوع را بررسی نموده و با مطالعه ی منابع در حقوق ایران و بررسی رویه ی قضایی برای نقاط مبهم موضوع راهکارهایی ارائه دهیم. همچنین با مطالعه ی رویه ی قضایی خلأهای قانونی نیز در این خصوص مشخص خواهد شد که این موارد را به صورت پیشنهاد مطرح خواهیم کرد.

خلاصه ی مراحل روش پژوهش:

روش این پژوهش تحلیلی- توصیفی می باشد. پژوهشگر با استفاده از روش کتابخانه ای به جمع آوری اطلاعات از کتب و مقالات حقوقی اقدام کرده و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب جمع آوری شده می پردازد.

تقسیم بندی مطالب :

مطالب این پایان نامه در سه فصل بیان می شود: در فصل اول، تعاریف و مفاهیم بررسی می شود. در فصل دوم، خواسته بررسی می گردد و فصل سوم به بهای خواسته اختصاص می یابد.

فصل اول:

تعاریف و مفاهیم

در فصل اول به بیان تعاریف و مفاهیم مرتبط با موضوع پایان نامه می پردازیم. در مبحث اول مفهوم دعوی بیان می گردد. در مبحث دوم دعاوی مالی و تفاوت آن با دعاوی غیرمالی را بیان می نماییم. مبحث سوم اختصاص به دادخواست و تفاوت آن با درخواست و تقاضا دارد و در مبحث چهارم به توضیح رویه قضایی و بیان اهمیت آن می پردازیم.

مبحث اول: مفهوم دعوی

در این مبحث دعوی را از لحاظ لغوی و حقوقی تعریف کرده و نظرات برخی از حقوقدانان را در خصوص آن بیان می نماییم و سپس ملاک تحقق دعوی را ارائه می نماییم. دعوی را در اصطلاح لغوی چنین معنا کرده اند: «خواستن، خواندن کسی را، ادعا کردن، خواهانی، ادعا، نزاع، دادخواهی».

در فارسی در ادعاهای علمی یا هنری دعوی و در نزاع و جنگ و ستیز و دادخواهی دعوا می گویند.^۱

در اصطلاح حقوقی، دعوا «حقی است که به موجب آن اشخاص می توانند به دادگاه مراجعه کنند و از مقام رسمی بخواهند که به وسیله اجرای قانون، از حقوقشان در برابر دیگری حمایت شود. مراجعه به دادگاه و اجرای این حق همیشه به وسیله عمل حقوقی خاصی انجام می شود که «اقامه ی دعوا» نام دارد.^۲

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که قانون گذار دعوا را در سه مفهوم به کار برده است.

«نخست- مفهوم اخص دعوا: در این مفهوم- دعوا توانایی قانونی مدعی حق تضییع یا انکار شده در مراجعه به مراجع صالح در جهت به قضاوت گذاردن وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط است. برای طرف مقابل، دعوا، توانایی مقابله با آن است. در حقیقت، چنانچه، حقوق اصلی اشخاص، که در قوانین تعیین کننده پیش بینی گردیده، به ادعای آن ها تضییع شده و یا مورد انکار قرار گیرد، برای صاحب آن حقوق توانی (حقی) قانونی به وجود می آید که، با مراجعه به مراجع صالح، وجود آن حق و همچنین تضییع یا انکار آن را به

^۱ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۴۸.

^۲ - کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، چاپ پنجم، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۷۶، ش ۷۳، ص ۱۱۸.

قضاوت گذارده و ترتب آثار مربوط را درخواست نماید. ... بنابراین دعوا، در این مفهوم، در صورتی ایجاد می شود که دو شرط حاصل باشد: نخست این که حقی قانونی و مشروع، در عمل و یا بنابر ادعا، وجود داشته باشد، دوم این که حق مزبور، در عمل یا بنابر ادعا، مورد تجاوز یا انکار واقع شده باشد. ...

دوم- مفهوم اعم: در این مفهوم، دعوا، در بعضی مقررات، به مفهوم منازعه و اختلافی آمده است که در مرجع قضاوتی مطرح گردیده و تحت رسیدگی بوده یا می باشد. بنابراین، دعوا، بدین مفهوم، زمانی ایجاد می شود که دعوا در معنای نخست (مفهوم اخص) (حق قانونی اقدام)، به وجود آمده و دارنده، آن را اعمال نموده و در معرض رسیدگی مرجع قضاوتی قرار داده است. ...

سوم- دعوا، در بعضی موارد، به معنای ادعا به کار می رود، که البته منظور ادعایی است که در مرجع قضایی مطرح نشده و یا ادعایی است که در خلال رسیدگی به دعوا، به عنوان امری تبعی، مطرح می گردد. ...^۱

در تعریف دیگری از دعوا آمده است: «دعوی عملی است تشریفاتی که به منظور تثبیت حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده صورت می گیرد.»^۲

برخی از حقوقدانان نیز در تعریفی مشابه معتقدند که: «دعوی عملی است که برای اجرای حقی که مورد تجاوز یا انکار واقع شده است در دادگاه انجام می گیرد.»^۳

حقوقدان دیگری نیز دعوی را این چنین تعریف نموده است: «دعوی عبارت از عملی است که برای تثبیت حقی صورت می گیرد یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد.»^۴

^۱ - شمس، عبدا...، آیین دادرسی مدنی، ج اول، چاپ هشتم، انتشارات دراک، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸.

^۲ _ کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چاپ چهارم، انتشارات کانون وکلای دادگستری مرکز، تهران، ۱۳۷۳، ش ۷۳، ص ۱۱۷.

^۳ _ صدرزاده افشار، محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (دادگاههای عمومی و انقلاب)، ۳جلد در یک جلد چاپ هفتم، انتشارات جهاد دانشگاهی_واحد علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

^۴ _ متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج اول، چاپ دوم، مجد، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۹.

از آنچه گفته شد چنین بر می آید که در هر جا که حقی مورد انکار یا تجاوز قرار گیرد، دعوی تحقق یافته و شخص می تواند با اقامه ی دعوی، حق خود را احقاق نماید.

مبحث دوم: دعاوی مالی و غیرمالی

در این مبحث مال و حق مالی و غیرمالی و دعاوی مالی و غیرمالی را تعریف نموده و سپس به بیان اصل در خصوص مالی یا غیرمالی بودن دعاوی پرداخته و در انتها رویه ی قضایی در خصوص دعاوی مالی و غیرمالی مهم را بیان می نماییم.

در خصوص دعوی، تقسیم بندی های مختلفی صورت گرفته است، از جمله تقسیم دعاوی به منقول و غیرمنقول، عینی و شخصی. یکی از تقسیماتی که مورد توجه حقوقدانان واقع شده است و آثار عملی فراوانی بر آن مترتب است، تقسیم دعاوی به مالی و غیرمالی است. از جمله موارد اهمیت این تقسیم تأثیر آن در پرداخت میزان هزینه ی دادرسی^۱ و حق الوکاله ی وکیل^۲ و قابلیت تجدیدنظرخواهی^۳ از رأی است. ملاک در تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعوی نیز حق مورد مطالبه است و برای اینکه بتوانیم نوع این حق را شناسایی کنیم باید به خواسته ی دعوی توجه نماییم. بنابراین خواسته ی دعوی، نشان دهنده ی ماهیت حق مورد مطالبه و این حق نیز ملاک برای تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعوی است. البته باید توجه داشت که برای این تشخیص، تنها باید خواسته ی دعوی مورد توجه قرار گیرد نه جهات و علل موجهه ی دعوی و ممکن است که خواسته و جهات و علل موجهه از لحاظ مالی بودن یا نبودن متفاوت باشند. به عنوان مثال خواهان دعوی الزام به تمکین را مطرح می نماید که یک دعوی غیرمالی است، اما پرداخت نفقه را به عنوان جهت و علت موجهه ی دعوی ذکر می کند که امری مالی است.

^۱ - هزینه دادرسی در دعاوی مالی بر مبنای بهای خواسته و در دعاوی غیرمالی به صورت مقطوع و معین است.

^۲ - ماده ۳ آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۸۹ مورخ ۱۳۸۵/۵/۵.

^۳ - طبق مواد ۳۳۱ و ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی، رأی صادره در دعاوی غیرمالی همگی قابل تجدیدنظر است ولی در دعاوی مالی چنانچه خواسته یا بهای آن بیشتر از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال باشد رأی قابل تجدیدنظر خواهد بود.

برای روشن تر شدن بحث به تعریف مال و حق مالی و غیرمالی پرداخته، سپس دعاوی مالی و غیرمالی را تعریف می نماییم.

مال در لغت به معنای دارایی و آنچه که در ملک شخص باشد، آمده است.^۱ قانون مدنی، تعریفی از مال ارائه نکرده است و تنها در باب اول به تقسیم اموال پرداخته است. در تعریف مال گفته شده است: «مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می شود که بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی، ارزش مبادله را داشته باشد».^۲ در اصطلاح فقهی مال را چیزی می دانند که در ازای آن مالی داده شود.^۳ حقوق نیز به دو دسته حقوق مالی و غیرمالی تقسیم می شوند. حق مالی آن است که اجرای آن مستقیماً برای دارنده ایجاد منفعتی نماید که قابل ارزیابی به پول باشد، مانند حق مالکیت نسبت به خانه که مستقیماً برای دارنده ی آن ارزش پولی دارد.

حق غیرمالی آن است که اجرای آن، منفعتی که مستقیماً قابل ارزیابی به پول باشد ایجاد نمی کند، مانند حق بنوت، حق زوجیت و امثال آن. بعضی از حقوق غیرمالی هستند که غیرمستقیم ممکن است ایجاد حقی نمایند که قابل تقویم به پول باشد، ولی این امر آن را حق مالی نمی گرداند، مانند زوجیت که ایجاد حق نفقه برای زوجه، توارث برای زوجین می نماید که آن قابل تقویم به پول است.^۴

در تعریف دیگری از حق مالی و غیرمالی آمده است که: «حق غیرمالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندیهای عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص است، ارزش داد و ستد را ندارد و به طور مستقیم قابل ارزیابی به پول و مبادله نیست: مانند حق زوجیت و ولایت و حضانت. بر بیشتر این حقوق آثار مالی بار است، چنان که حق وراثت سبب می شود که شخص دارایی مورث خود را تملک کند و حق زوجیت

^۱ - عمید، حسن، منبع پیشین، ص ۱۰۷۱.

^۲ - امامی، حسن، حقوق مدنی، ج اول، چاپ بیست و چهارم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۶.

^۳ - (المال ما یبذل بازائه المال). محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه ۱: بخش مدنی (مالکیت - مسئولیت)، چاپ دوازدهم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱.

^۴ - امامی، حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، چاپ چهارم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۴.

امکان مطالبه ی نفقه و میراث را به دنبال دارد. ولی، در هر حال اصل حق را نمی توان وسیله ی تحصیل مال قرار داد. حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور، به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص، به آنها می دهد. هدف از ایجاد حق مالی تنظیم روابطی است که به لحاظ استفاده ی از اشیا بین اشخاص وجود دارد. این دسته از حقوق، بر خلاف گروه نخست، قابل مبادله و تقویم به پول است: مانند حق مالکیت و حق انتفاع و حق مطالبه ی مبلغی پول یا انجام دادن کار معین.^۱

بر این اساس، در دعاوی نیز خواسته ی خواهان ممکن است جنبه ی مالی یا غیرمالی داشته باشد. خواسته ی مالی، خواسته ای است که هدف خواهان از اقامه ی دعوی اولاً و بالذات امری مالی است و خواسته ی غیرمالی آن است که هدف خواهان اولاً و بالذات مالی یا امری مالی نیست، هرچند ممکن است ثانیاً و بالعرض، مالی از آن حاصل گردد.^۲

در خصوص دعاوی مالی و غیر مالی گفته شده است که: «در دعاوی مالی تأمین نیاز مادی مطرح است که قابل تقویم به پول است اما در دعاوی غیرمالی رفع نیاز احساسی و عاطفی موضوعیت دارد.»^۳

حقوقدان دیگری معتقد است که: «خواسته دعوا ممکن است اموال منقول یا غیرمنقول، خسارت، تخلیه، تقسیم ملک، طلاق، و غیره باشد. در هر حال موضوع آن ممکن است مستقیماً مطالبه اموال باشد که در این صورت آن را دعوی مالی می گویند مانند دعوی مالکیت یا مطالبه دین و یا ممکن است موضوع آن مطالبه اموال نباشد گر چه به طور غیرمستقیم منجر به

^۱ _ کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ بیست و دوم، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، ۱۳۷۶، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

^۲ _ بهرامی، بهرام، آئین دادرسی مدنی (کاربردی)، چاپ هشتم، نگاه بینه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹.

^۳ _ مدنی، جلال الدین، آئین دادرسی مدنی (دادگاههای عمومی و انقلاب) سازمان قضایی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، چاپ اول، پایدار، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۹۷.

وصول مال شود. در این صورت دعوا را دعوی غیرمالی می گویند مانند دادخواست طلاق، تمکین، تصحیح سن، تقسیم ملک و ...^۱

بنابراین دعوی مالی نیز دعوایی است که هدف از آن، نیل به خواسته ای مالی باشد و دعوی غیرمالی دعوایی است که هدف از آن، رسیدن به خواسته ای غیرمالی باشد هرچند به تبع تحصیل آن خواسته ی غیرمالی، اموالی نیز نصیب خواهان گردد.

در خصوص تفکیک دعوی مالی از غیرمالی، اگرچه در بسیاری موارد، تشخیص حق مالی از غیرمالی چندان دشوار نیست، اما مقررره ای از جانب قانون گذار مشاهده نمی گردد. همین امر موجب شده است که در خصوص برخی از دعاوی، در مالی یا غیرمالی بودن آنها اختلاف حاصل گردد و این اختلاف به دادگاه های عالی کشور و اداره ی حقوقی دادگستری نیز سرایت نموده است.

بہتر است که قانونگذار چاره ای برای این کاستی بیابد، زیرا دوام آن ممکن است موجب بی اعتباری برخی آرای دادگاه ها و سردرگمی مردم و گاهی دادگاه ها شود. ممکن است یک شعبه از دادگاهی، دعوایی را مالی بداند و شعبه ی دیگر همان دادگاه، دعوی را غیرمالی بداند. پیشنهاد می گردد که قانون گذار بدواً بیان نماید که آیا اصل بر مالی بودن دعوی است یا غیرمالی بودن آنها و سپس در خصوص مهمترین مواردی که در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد، ارائه طریق کند.

حال باید دید که در وضعیت کنونی، آیا اصل بر مالی بودن دعوی است یا غیرمالی بودن آنها؟

فایده ی روشن شدن این امر در مواردی ظاهر می شود که تردید در مالی یا غیرمالی بودن دعوایی وجود دارد، که در این حالت که شک پیش می آید، مطابق اصل عمل می نماییم. یک دیدگاه این است که: «اصل بر غیرمالی بودن دعوی است. مالی بودن محتاج به دلیل و نص است. لذا، اگر شک و تردید شود عدم، جاری می گردد و دعوی، غیرمالی محسوب

^۱ _ صدرزاده افشار، محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (دادگاههای عمومی و انقلاب)، ۳ جلد در ۱ جلد، چاپ هفتم، انتشارات جهاد دانشگاهی_ واحد علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳.